



قوانین کفر و اسلام



حجة الاسلام والمسلمين
موسوی تبریزی

احکام محارب

روایت دوم:

"عن سوره بنی کلب قال: قلت
 "لا بی عبدالله (ع): رجل یخرج
 "من منزله یرید المسجد او یرید
 "الحاجه فیلقاه رجل و یتعقبه
 "فیضربه و یاخذ ثوبه قال: ای شیء؟
 "یقول فیہ من قبلکم اقلت: یقولون
 "هذه دغاره ملعنه وانما المحارب
 "فی قری مشرکة فقال: ایہما اعظم؟
 "حرمة دار الاسلام او دار الشریک؟
 "قال: فقلت: دار الاسلام، فقال
 "هو: لا، من اهل هذه الایة: انما
 "جزا الذین یحاربون اللہ ورسوله..."
 - سوره بن کلب می گوید از امام صادق
 (ع) پرسیدم در باره کسی که از منزلش
 خارج می شود و می خواهد به مسجد و یا

"الا ان یكون رجلا لیس من اهل الریبه"

حضرت از امام باقر (ع) نقل می کنند که
 فرمود: هرکسی شبانه با خود سلاح حمل
 کند محارب است مگر اینکه اهل ربه نباشد
 یعنی کسیکه مردم در باره اش شک به خلاف
 نکنند مانند نگهبانان در شب (پاسدaran و
 پاسداران).

در رابطه با معنای روایت باید گفت که:
 با توجه به روایات دیگر این باب، منظور
 این نیست که هرکس شناخته شده نباشد و یا
 خودش سلاح حمل کند و لو مخفیانه و اظهار
 نکند و طوری مخفی کند که کسی نبیند تا
 بترسد، باز محارب است بلکه کسیکه سلاح
 حمل می کند و طوری باشد که مردم ببینند و
 حالت رعب و وحشت در دل مردم ایجاد
 کند، محارب است.

در مقاله گذشته در رابطه با حکم محارب
 و معنی آن از نظر قرآن کریم بحث کردیم و
 گفتیم که مهمترین مستند و مدرک برای حکم
 محارب، آیه شریفه ۳۳ از سوره مائده است
 لکن روایات زیادی نیز در زمینه محارب وارد
 شده که لازم است مورد بحث و بررسی قرار
 گیرد.

روایات این باب دو قسم هستند: قسمتی
 در باره معنی و مصداق محارب وارد شده
 است. و قسمتی دیگر درباره احکام محارب
 فعلا قسم اول را مورد بحث قرار می دهیم و
 قسم دوم در جای خودش بحث خواهد شد.
 وسائل الشیعه، ابواب حد المحارب
 باب ۲ خبر اول:

"عن ضریس، عن ابي جعفر (ع) قال:
 "من حمل السلاح باللیل فهو محارب"

دنبال حاجت و کاری نبود، در این میان مرد دیگری او را تعقیب می‌کند و می‌زند و لباس می‌گیرد، فرمود: مردم چه می‌گویند (مراد اهل سنت است) گفتم می‌گویند: این یک نوع اختلاس و سرقت علنی و اجباری و اعمال زور است و محارب کسی را می‌گویند که در شهرهای شرک و کفر اعمال اختلاس و زور انجام دهد. فرمود: آیا احترام شهرهای مسلمین و دارالاسلام زیادتر است یا احترام شهرهای شرک و کفر؟ گفتم: یقیناً احترام کشورهای اسلامی بیشتر است. فرمود: این افراد از مصادیق آیه شریفه "انما جزا" الذین یحاربون الله ورسوله..." هستند یعنی محارب هستند.

روایت سوم:

عن ابی جعفر (ع) قال: من اثار "بحدیده فی مصر قطعت یدیه و من "ضرب بها قتل".

کسی که در میان مردم شهر به آهن اشاره کند (یعنی تهدید کند و بخواهد با زور سر نیزه در میان مردم به اهداف خود برسد) دستش قطع می‌شود و هرکسی بوسیله اسلحه مردم را مورد ضرب قرار دهد، کشته می‌شود. و سائل الشیعه باب سوم خبر اول:

"عن علی (ع) فی رجل اقبل بنار" "فاثعلبها فی دار قوم فاخرقت و" "اخرق متاعهم، انه یغرم قیمة -" "الدار و ما فیها ثم یقتل".

امیرالمؤمنین (ع) درباره کسی که منزل دیگران را به آتش کشید است و خانه‌ها و وسایل موجود در آنها سوخت است. فرمودند: باید قیمت منزل و وسایل سوخته شده را بپردازد سپس خودش (بجهت عمل خلافت) اعدام می‌شود.

و سائل باب ۷ خبر اول:

"عن ابی عبد الله (ع) قال: اللین" "محارب لله و لرسوله فاقتلوه،" "فما دخل علیک فعلی".

یعنی: دزد، محارب با خدا و رسول خدا است او را بکشید و اگر ضروری از طرف او بر شما وارد شود به عهده من است (یعنی

اگر او را بکشید هیچ گونه کیفر و دیه و قصاصی در باره شما نخواهد بود).

خبر سوم از همان باب: ابی ایوب از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند:

"من دخل علی مؤمن من داره محاربا" "له قدمه مباح فی تلك الحال"

کسی که وارد منزل مؤمنی بشود در حال محاربه و ارباب و تهدید، خون او در این حال مباح است و صاحب خانه می‌تواند او را بکشد.

روایات دیگری که در این زمینه وارد شده است زیاد است لکن با مختصر دقت روشن خواهد شد که روایات در مقام بیان معنا و تعریف محارب و مفسد نیستند. یعنی ائمه اطهار (ع) بعنوان یک معلم احکام اسلام و

کسانی که به هر نوعی در میان مردم ایجاد رعب و وحشت بنسحق می‌کنند و امنیت و آزادیهای مشروع را به هر نحوی از مردم سلب می‌نمایند، محارب محسوب می‌شوند چه مقاصد سودجویی داشته باشند و چه مقاصد الحادی و استعماری.

مفسر قرآن در باره محارب و تعریف و تفسیر آیه شریفه مربوط به محارب صحبت نفرمودند، و آنچه در روایات ذکر شده است صرفاً بعضی از مصادیق محارب است.

و فرق است میان اینکه امام بفرماید: محارب کیست، و بین اینکه بفرماید مثلاً دزد مسلح محارب است.

دیگر اینکه، تعریف باید جامع افراد و مانع اغیار باشد و هر چیزی که غیر از آن باشد خارج کند لکن دومی صرفاً معرفتی مورد خاص است بعنوان محارب و اینکه کسی که به منزل دیگری آتش بیاندازد محارب است یا دزد، محارب است یا غیر ذلک.

بنا بر این، این روایات اگرچه ضعفند بسیاری آنها با تواتر که در روایات است

جبران بشود نمی‌توانند مخصص آیه شریفه "انما جزا" الذین یحاربون الله ورسوله" باشند و محارب را به مصادیق وارد شده در روایات منحصر نمایند بلکه آیه شریفه شامل هر کس که به هر نوعی محارب با خدا و رسول خدا باشد، می‌شود: کسانی که شمشیر می‌کشند و دز برای اسلام و مسلمین ایستادگی می‌کنند، کسانی که با نوشتن و قلم خود مردم را از جهت خدائی و حرکت‌های اسلامی دور می‌سازند، کسانی که با اجرای برنامه‌های فاسد و مفسد، با فیلمها، نمایشها، مقالات، و تاتر و غیر ذلک مانع حرکت اسلامی مردم و رشد فکری آنها می‌شوند و کسانی که با اجرای برنامه‌های اقتصادی مضر و فاسد و خلاف شرع مسلمین را با وابستگی و ذلت و اسارت می‌کشانند و کسانی که به هر نوعی در میان مردم ایجاد رعب و وحشت بناحق می‌کنند و امنیت و آزادیهای مشروع را به هر نحوی از مردم سلب می‌نمایند، محارب محسوب می‌شوند. حال چنین افرادی مقاصد سودجویی داشته باشند یا مقاصد الحادی و التقاطی و با استعماری فرق نمی‌کند.

مطلب دیگری که از آیه شریفه و روایات می‌فهمیم این است: محاربه در هر جایی باشد و در هر زمان باشد فرق نمی‌کند اگر چه در میان شهرهای اسلامی و در حکومت اسلامی جرمش سنگین‌تر است و نیز فرق نمی‌کند شخص محارب بظاهر مسلمان باشد یا کافر، ادعای اسلام بکند یا نفی کند.

در این زمینه فتاوی فقهای شیعه را سابقاً نقل کردیم و قریب به فتاوی شیعه، فتاوی اهل سنت و جماعت است، برادران علمای اهل تسنن نیز در معنای محارب بحث‌هایی شبیه بحث‌های گذشته ما دارند و بیشتر فقهای اهل تسنن معنای محارب را تسری داده‌اند و به هر کسی که به هر نوعی ایجاد اذیت و ناامنی در میان مسلمین بکند، شامل می‌دانند.

در کتاب "الفقه علی المذاهب الاربعه"

از "مالکيه" که یکی از فرقه‌های چهارگانه مذاهب اهل تسنن است، نقل می‌کند که به علت طولانی بودن، به ترجمه آن اکتفا می‌کنیم: می‌گوید: مالکيه گفته است: محارب کسی است که راه عبور و مرور مردم را ببندد اگرچه نخواهد از عابرين مالی بگيرد يا خواهد مال محترمی را از مسلمان يا اهل ذمه با اجبار بگيرد يا حريم و حرز کسی را هتک کند بطوری که مردم يا فرد خاصی که مورد ظلم قرار گرفته است فریادش بجائی نرسد، و شامل می‌شود ستمگران و جبارانی را که با اعمال زور و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم حکومت می‌کنند و اموال مردم را می‌گیرند و به جان و اعراض مردم مسلط هستند و در محارب تعدد شرط نیست بلکه محاربه گاهی گروهی است و گاهی فردی گاهی یک گروه محارب است در صورتی که گروه تصمیم گیرنده و خط دهنده باشد و گاهی فرد خود تصمیم می‌گیرد که خود محارب است و نیز در برابر عموم مردم بخواهند محاربه کند یا فرد خاصی را مورد ظلم و تجاوز قرار دهند فرق نمی‌کند. پس به کسی که عداوتی را مورد تجاوز قرار دهد و با شمشیر و اسلحه آنها را بترساند و یا فردی را با اعمال زور و آزار به خوردن حشیش و یا مشروبات الکلی بکند که او را مست کرده و یا بیهوش نموده و اموال او را بچپاول ببرد یا بوسیله کلاهبرداری و حیلمونیرنگ اموال مردم را اختلاس کند، محارب صدق می‌کند و احکام محارب در باره اش اجرا می‌شود.

فتاوی شافعی و حنفی و حنبلی نیز شبیه مطالب مالکی است اگرچه در بعضی از احکام جزئی، میانشان اختلاف است.

در اینجا در رابطه با معنای محارب و مفرد و ریشه اصلی اسلامی و قرآنی این دو واژه، بحث ما به پایان می‌رسد و اینک به مطالبی در رابطه با احکام محارب از نظر اجرای حدود و کیفیت آن و شرایط اجرا و شرایط اثبات محارب بودن و مسائل دیگر در زمینه فوق در ضمن مسائلی می‌پردازیم.

مسئله اول-

کیفیت اجرای حد محارب

علمای اسلام اعم از شیعه و سنی اختلاف دارند در اینکه در حق محارب مطلقاً حاکم شرع مخیر است که یکی از کیفرهای چهارگانه مشخص شده در آیه شریفه را اعمال کند، یا بحسب مورد و شرایط خاص حاکم شرع موظف است یکی از چهار کیفر را انتخاب کند و با اصلاً از طرف شرع مقدس اسلام کیفرهای چهارگانه برای شرایط مختلفی معین شده است و حاکم شرع حق هیچگونه اختیار و انتخاب در میان کیفرهای چهار-

محارب در هر جانی باشد و در هر زمان باشد فرقی نمی‌کند، گرچه در حکومت اسلامی جرمش سنگینتر است و نیز فرقی نمی‌کند، شخص محارب بظاهر مسلمان باشد یا کافر، ادعای اسلام بکند یا نفی کند.

گانه را ندارد.

ظاهر آیه شریفه تخییر را می‌رساند و اگر صرفاً دلیلان آیه شریفه بود، مسئله مورد اشکال و اختلاف نبود. ولی آنچه که باعث اختلاف میان فقهای اسلام شده وجود روایاتی است که بطور متعدد و مکرر وارد شده است و کیفرهای چهارگانه را با شرائط مختلف تعیین کرده است. قبل از آنکه به نقل روایات بپردازیم چند جمله‌ای از فقهای اسلام و نظرات آنان را نقل می‌کنیم.

مرحوم شیخ طوسی در کتاب "النهايه" می‌فرماید: اگر محارب تنها قتل انجام دهد و مالی را نگیرد کشته می‌شود و اولیا مقتول نمی‌توانند عفو کنند و اگر عفو کنند حاکم شرع باید حکم الهی را اجرا کند و

محارب را بکشد. و اگر هم بکشد و هم اموال مردم را بگیرد اولاً باید اموال را از او پس بگیرند، سپس بخاطر دزدی که انجام داده است انگشتان دست او را قطع می‌کنند سپس بجهت محارب بودنش او را می‌کشند و به دار می‌کشند. و اگر صرفاً مال را بگیرد و قتل و ضرب و جرمی انجام ندهد، دستش بریده می‌شود و سپس از محل جرم به شهر دیگری تبعید می‌شود و اگر ابراد ضرب و جرح کند لکن اموالی از مردم نگیرد و کسی را نکشد بهمان مقدار که زده یا مجروح کرده، قصاص می‌شود و سپس تبعید می‌گردد. و اگر صرفاً بترساند و نکشد و نزند و مالی را نگیرد در این صورت صرفاً از شهری که جرم انجام داده است تبعید می‌شود.

مرحوم محقق در شرایع می‌فرماید:

"وحد المحارب القتل او الصلب او القطع مخالفاً والنفي وقد تردد في الاصحاح فقال المفيد بالتخيير قال الشيخ ابو جعفر - رحمه الله - بالترتيب، التي ان قال: واستند في التفصيل الى الاحاديث الداله عليه و تلك الاحاديث لا تنفك عن ضعف في اسناد او اضطراب في متن او قصور في دلالة، فالاولى العمل بالاولى تمسكاً بظاهر الآية - حد محارب: كشتن، دار آویختن - دست و پا را برعکس بریدن، و تبعید است. و علمای امامیه در رابطه با اجرای کیفرهای مذکور دچار اختلاف شده‌اند.

شیخ مفید - رضوان الله تعالی علیه - فرموده‌اند که حاکم شرع مخیر است یکی از آنها را انتخاب کند. و شیخ طوسی (ره) به ترتیب در کیفرها معتقد است و همان ترتیبی که از خود ایشان از کتاب نهاییه نقل کردیم، و سپس فرموده است: مستند شیخ طوسی برای ترتیب، اخبار و احادیث وارده است لکن احادیث مذکور یا سندشان ضعیف است و یا از نظر متن و دلالت و معنی اضطراب و ضعف دارند لذا بهتر همان قول اولی و قول شیخ مفید است که ظاهر آیه شریفه نیز به همان مطلب یعنی تخییر دلالت دارد.

ادامه دارد